

علی بن ابی طالب رضی الله عنه (۱)

تمامی حمد و تعریفات مخصوص الله متعال می باشند، او را سپاس گفته و از او یاری جسته و طلب آموزش می خواهیم و از بدی‌های نفس خود و اعمال ناشایستمان به او پناه می‌بریم، الله متعال هر که را هدایت کند، هیچ کس نمی‌تواند او را گمراه سازد، و هر کس را که گمراه سازد هدایت‌گری نخواهد یافت، و گواهی می‌دهم که هیچ معبود به حقی جز الله نیست، یکتاست و هیچ شریکی ندارد، و گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست، درود و سلام بسیار و مستدام الله بر او و بر اهل بیت و یاران وی باد.
اما بعد:

از الله متعال بترسید - ای بندگان الله - تقوای الله را آنگونه که شایسته‌ی اوست پاس دارید، زیرا تقوا راه کامیابی می‌باشد، و مخالفت با آن راه گمراهی می‌باشد.
ای مسلمانان:

الله بندگان را آفرید و بین آنها تفاوت قرار داد، بهترین این بنده‌گان پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد، پس او را فرستاد و برای پیام خویش برگزید، و بهترین یاران پیامبران، یاران پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله می‌باشند، و بهترین آنها بعد از او خلفای چهارگانه می‌باشند، و بهترین و والاترین آنها از مراتب عبارتند از: ابو بکر صدیق اکبر، سپس عمر فاروق، سپس عثمان ذو النورین، و چهارمین آنها ابو الحسن علی بن ابی طالب بن عبد المطلب، پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله به او کنیه ابو تراب داد، سهل بن سعد رضی الله عنه می‌گوید: «برای علی رضی الله عنه هیچ نامی محبوبتر از ابو تراب نبود، و اگر به این نام صدا زده می‌شد خوشحال می‌شد، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله این نام را برایش انتخاب کرده بود». متفق علیه (۲).

(۱) این خطبه را شیخ دکتور عبد المحسن بن محمد القاسم -وفقه الله- روز جمعه، ۲۲ ذو القعدة سال ۱۴۴۲ هـ در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله سخنرانی کردند.

(۲) صحیح بخاری (۶۳/۸) رقم: (۶۲۸۰)، صحیح مسلم (۱۲۳/۷) رقم: (۲۴۰۹).

وی قبل از اسلام در خانه ی رسول الله صلی الله علیه و آله بودند، و در منزل ایشان تربیت یافتند، و در حالی که کمتر از ده سال سن داشتند به اسلام شتافتند.

اهل مکه امانتی های خود را نزد رسول الله می گذاشتند، زیرا ایشان در بین آنها به صداقت و امانتداری معروف بودند، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله قصد هجرت نمودند، به علی رضی الله عنه دستور دادند تا در مکه بماند و به جای او این امانتی های مردم را که پیش او بودند را به صاحبانش برگرداند، علی رضی الله عنه بعد از برگرداندن امانتی ها، به مدینه هجرت نمود، و پیامبر صلی الله علیه و آله دخترش فاطمه رضی الله عنها را به عقد او در آورد، و او را در مهریه اش کمک نمود.

پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان چندین بار مژده بهشتی بودنش را دادند، و به ایشان فرمودند: که جزء شهدا می باشند، و او الله و رسولش را دوست دارد، و الله و رسولش او را نیز دوست دارند، و هر مؤمنی که از پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی کند از اوست؛ همان گونه که ابراهیم خلیل علیه السلام فرمودند: «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي» (۱). ترجمه: «هرکس از من پیروی کند از من می باشد». و برای تأکید ایمان علی رضی الله عنه پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به او فرمودند: «شما از من می باشید و من از شما می باشم». (روایت البخاری) (۲).

و مؤمنان الله و رسولش را دوست میدارند - دوستی ضد دشمنی است -، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: علی رضی الله عنه از مؤمنانی می باشد که مومنان را دوست دارد و مومنان او را دوست دارند، فرمودند: «هرکس مرا دوست دارد، علی رضی الله عنه را نیز دوست بدارد». (روایت الترمذی) (۳).
 شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمته الله می گوید: «در این حدیث ایمان باطنی علی رضی الله عنه ثابت می شود» (۴)، وقتی که این فرموده الله تعالی نازل شد: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا وَآبَاءَكُمْ» (۵). ترجمه: «بگو ای پیامبر بیاید فرزندانمان و فرزندانتان را بطلبیم». رسول الله صلی الله علیه و آله علی و فاطمه و حسن و حسین را طلبیدند، و فرمودند: «بارها اینها از خانواده من هستند». (روایت مسلم) (۶).

(۱) سوره: ابراهیم، آیه: ۳۶.

(۲) صحیح بخاری (۳/۱۸۴) رقم: (۲۶۹۹).

(۳) جامع ترمذی (۶/۷۹) رقم: (۳۷۱۳).

(۴) منهاج السنة النبویة (۷/۳۲۳).

(۵) سوره آل عمران، آیه: ۶۱.

(۶) صحیح مسلم (۷/۱۲۰) رقم: (۲۴۰۴).

دوستی و محبت علی علیه السلام نشانه ایمان، و بغض و کینه نسبت به او نشانه نفاق می باشد، علی علیه السلام فرمودند: قسم به ذاتی که دانه را شکافت، و همه مخلوقات را آفرید، این عهد و پیمان پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد که به من دادند: «جز مؤمنان مرا دوست نمی دارند، و جز منافقان نسبت به من بغض و کینه ندارند». (روایت مسلم) (۱).

و این همانند فرموده رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد که فرمودند: «جز مؤمنان انصار را دوست ندارند، و جز منافقان نسبت به آنها بغض و کینه ندارند». (متفق علیه) (۲).

پس هر کس علی علیه السلام و آنهایی که اولی تر از او در دوستی و مقام می باشند، مانند سه خلیفه راشد قبل از او؛ چنین شخصی شاخه ایی از شاخه های ایمان را بجا آورده است، و هر کس که به ایشان و یا نسبت به کسانی که بهتر از او هستند از صحابه بغض و کینه داشته باشد، در شاخه ایی از شاخه های نفاق واقع شده است.

در چند مورد جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله در ابلاغ پیام های عمومی شان شدند، و چندین مورد پیامبر صلی الله علیه و آله امور خاص خویش را به ایشان سپردند، در حج: «پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان دستور داد که بر قربانی هایش ناظر باشد، و گوشت، پوست و پالان قربانی ها را تقسیم نماید، و بجای دستمزد به قصاب از این قربانی ها چیزی ندهد». (متفق علیه) (۳).

زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مرض وفاتشان احساس کاهش درد نمودند بر دوش وی و دوش عمویش عباس بن عبدالمطلب از منزل بیرون شدند، وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله وفات کردند، علی علیه السلام و بعضی از نزدیکان مسئول غسل ایشان بودند، و به شجاعت و دلاوری مشهور بود، پیامبر صلی الله علیه و آله در بسیاری از جنگها پرچم اسلام را به ایشان سپردند، در تمام نبردها با پیامبر صلی الله علیه و آله همکاب بودند و با ایشان دلاور و مردانه جنگیدند، و چهره ی خوبی از خود نمایان کردند، در جنگ بدر ولید پسر عتبّه - که یکی از سران کفر بود - شجاعتش را به رخ مسلمانان می کشید، علی بن ابی طالب علیه السلام در حالی که بیست سال سن داشت با او نبرد کرد و او را به هلاکت رساند.

(۱) صحیح مسلم (۶۰/۱) رقم: (۷۸).

(۲) صحیح بخاری (۳۲/۵) رقم: (۳۷۸۳)، صحیح مسلم (۶۰/۱) رقم: (۷۵).

(۳) صحیح بخاری (۱۷۲/۲) رقم: (۱۷۱۷)، صحیح مسلم (۸۷/۴) رقم: (۱۳۱۷).

و در جنگ احد زمان شکست از ثابت قدمان با پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.

و در جنگ خندق زمانی که عمرو بن عبدود-یکی از سران مشرکین که مردم از آن هراس داشتند- برای نبرد تن به تن خارج شد، علی رضی الله عنه با او جنگید و او را به هلاکت رساند.

در حدیبیه حاضر بود، و همراه صحابه با پیامبر صلی الله علیه و آله زیر درخت عهد مرگ بستند، و او نویسنده ی صلحنامه بین اهل مکه و پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.

در جنگ خیبر پرچم دار پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، سر دسته ی یهود -به اسم مرحب- را به هلاکت رساند و قلعه ی یهودیان را که بسیار دشوار بود فتح نمود.

در جنگ حنین حاضر بودند، انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: «علی رضی الله عنه در جنگ حنین از جنگجوترین مردم پیش پیامبر صلی الله علیه و آله بودند».

در جنگ تبوک پیامبر صلی الله علیه و آله او را به خاطر امانتداریش جانشین خویش در مدینه قرار داد، و به ایشان فرمودند: «ای علی، نمی خواهی برای من به منزله هارون به موسی باشی؟».

(متفق علیه)^(۱). یعنی: در همراهی و مکانت، نه در نبوت.

ایشان اهل تعامل، خوش اخلاق و وفادار بودند، و به فضل و برتری خلفای قبل از خودش اعتراف می کرد، و به آنها احترام گذاشته و آنها را دوست می داشت.

بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله در بیعت با ابوبکر رضی الله عنه مبادرت ورزید، سپس با عمر و عثمان رضی الله عنهما زمان خلافتشان نیز بیعت نمود، و برای هر سه تا خلیفه بهترین وزیر و مشاور در امور قضاوت و جنگ و فتوا بودند، علی رضی الله عنه فرمودند: «پیامبر صلی الله علیه و آله امور دینی مسلمانان را بر عهده ابوبکر نهاد، مسلمانان نیز امور دنیوی خویش را بر عهده ی ایشان نهادند، مسلمانان با ابوبکر رضی الله عنه بیعت نمودند، من هم همراه آنان با او بیعت نمودم، با ایشان هنگام جنگ میجنگیدم، و اگر به من چیزی عطا می کردند قبول می کردم، و من برای اجرای حدود الله تحت امر ایشان بودم»، و درباره عمر و عثمان رضی الله عنهما نیز این گونه فرمودند.

دختر خویش-ام کلثوم- را به ازدواج عمر رضی الله عنه در آورد، وقتی که عمر رضی الله عنه وفات کردند، علی رضی الله عنه فرمودند: «رحمت الله بر شما باد ای ابوحفص، به الله سوگند بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ صحیفه ی اعمالی همچون صحیفه ی اعمال تو نزد من محبوب تر نبود که با آن با الله

(۱) صحیح بخاری (۱۹/۵) رقم: (۳۷۰۶)، صحیح مسلم (۱۲۰/۷) رقم: (۲۴۰۴).

متعال ملاقات نمایم». (روایت احمد)^(۱)، و از ایشان علیه السلام به تواتر رسیده که فرمودند: «بهترین این امت بعد پیامبر، ابوبکر، سپس عمر می باشد»^(۲).

و نسبت به عثمان، محبت و احترام خاصی داشتند، ایشان می فرمایند: «اگر عثمان مرا به خارج از مدینه در منطقه ی صرار تبعید می کردند، از ایشان اطاعت می کردم»^(۳).

زمانی که عثمان رضی الله عنه به شهادت رسید، هیچ کس مثل علی رضی الله عنه مستحق خلافت نبود، بهمین منظور مردم با ایشان بیعت نمودند و او را برگزیدند، و تمام مسلمانان به فضیلت و مستحق بودنش - به خلافت - بعد از عثمان اعتراف می نمودند، و اینکه هیچ صحابه ای در زمان خلافتش باقی نمانده که مثل او شایستگی خلافت را داشته باشد، ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها در روز وفات عثمان بن عفان رضی الله عنه به عبد الله بن بَدیل فرمود: «همراه علی باش؛ به الله سوگند که ایشان در دین الله هیچ تغیر و تبدیلی انجام نداده است» (روایت ابن ابی شیبیه)^(۴).

در زمان خلافتش با مردم با عدالت حکم می نمود، و از قرآن و سنت سرپیچی نمی کرد، و پیرو روش خلفای راشدین بود و به آن عمل می کرد و با آنان مخالفت نمی کرد، ابن بطه رضی الله عنه می گوید: «هیچ یک از علمای مسلمانان روایت نکرده که علی رضی الله عنه بر حکم و فیصله ابوبکر، و عمر، و عثمان مخالفت کرده باشد»^(۵).

ایشان عالم و مفتی بودند، ابن عباس رضی الله عنه می گوید: «اگر یک انسان معتمد و معتبر از فتوای علی رضی الله عنه برای من نقل شود؛ از آن تجاوز نمی کنیم - یعنی پیروی می کنیم-»^(۶)، امام نووی رحمه الله می گوید: «سوال نمودن بزرگان صحابه از ایشان و به فتوای و اقوالشان در

(۱) مسند احمد (۲۴۵/۱) رقم حدیث: (۸۸۲).

(۲) مسند احمد (۲۳۹/۱) رقم حدیث: (۸۴۹).

(۳) مصنف ابن ابی شیبیه (۳۲۱/۲۱) رقم حدیث: (۳۸۸۵۴).

(۴) مصنف ابن ابی شیبیه (۴۰۱/۲۱) رقم حدیث: (۳۸۹۸۶).

(۵) الإبانة (۴۱۵/۸).

(۶) الطبقات الکبری (۲۵۸/۲).

خیلی از موارد رجوع نمودن، و در مسائل معضل طلب فتوا از ایشان، مشهور و معروف می باشد» (۱).

ایشان قاضی بی نظیری در حل و فصل مخالفان بود، بلکه او در قضاوت دقیق ترین صحابه بود، و در بررسی اختلافات دقیق بود، پیامبر صلی الله علیه و آله او را به عنوان قاضی نزد مردم یمن فرستاد، عمر رضی الله عنه فرمودند: «قاضی ترین ما؛ علی رضی الله عنه می باشد» (۲).

ایشان با این علم و دانش گسترده اش، خیلی پرهیزگار و با تقوا بودند، درباره مسئله ی که نمی دانستند نظر نمی داد، روزی پیش یارانش رفت و فرمود: «چه دلنشین است!، چه دلنشین است!، یاران علی رضی الله عنه از ایشان پرسیدند، چه چیزی دلنشین است؟!، ایشان فرمودند: مسئله ای را که نمی دانی بگویی: الله بهتر می داند» (۳).

پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ دانشی به ایشان اختصاص نداده، ابو جحیفه رضی الله عنه از ایشان سؤال کردند: «آیا شما دانشی جز این وحی - کتاب الله و سنت پیامبر - دارید؟ ایشان فرمودند، نه، قسم به ذاتی که دانه ها را شکافت و موجودات را خلق نمود، چیزی جز اینکه الله به کسی فهم قرآن عطا بفرماید ندارم». (روایت بخاری) (۴).

به سنت پایبند و حریص بودند، فرمودند: «هیچ گاه سنت پیامبر را به خاطر رأی دیگران رها نمی کنم». (روایت بخاری) (۵)، در مورد آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می نمود خیلی احتیاط می کرد، می فرمود: «آنچه را که از رسول الله صلی الله علیه و آله برایتان نقل می کنم صحیح می باشد، زیرا که سقوط از آسمان برایم از دروغ گفتن بر پیامبر صلی الله علیه و آله آسان تر است». (روایت بخاری) (۶).

خیر خواه امت اسلامی بود، عابد بود و بسیار پند و نصیحت و ذکر می نمود، مشتاق خیر و بذل و بخشش بود.

(۱) تهذیب الأسماء (۱/۳۴۶).

(۲) صحیح بخاری (۱۹/۶) رقم حدیث: (۴۴۸۱).

(۳) جامع بیان العلم (۲/۸۳۶) رقم اثر: (۱۵۶۸).

(۴) صحیح بخاری (۴/۶۹) رقم حدیث: (۳۰۴۷).

(۵) صحیح بخاری (۲/۱۴۲) رقم حدیث: (۱۵۶۳).

(۶) صحیح بخاری (۴/۲۰۰) رقم حدیث: (۳۶۱۱).

دین دار بود، زک و راست بود، در زمان خلافتش با عده ای که او را خدا نامیدند گرفتار شد، آنها را سوزاند، و با عده ای دیگر که او را تکفیر نمودند مبتلا شد با آنان جنگید. دل بسته دنیا نبود و از زرق و برق و فتنه دنیا بدور بود، مسلم بن هرمز رضی الله عنه می گوید: «علی رضی الله عنه در سال به مردم چهار بار هدیه دادند، زمانی که بیت المال خالی شد در آنجا دو رکعت نماز خواند و فرمود: ای دنیا، علاوه از من کس دیگر را فریب ده» (۱). بدلیل شجاعت و تنومندیش، خوارج نتوانستند او را جز با خیانت به شهادت برسانند، در حالی که برای نماز فجر می رفت او را به شهادت رساندند. ایشان بعد از وفات ارث و میراث فراوانی بجا نگذاشتند، حسن بن علی رضی الله عنه فرمودند: «بعد از قتل پدرم، چیزی از طلا و نقره جز ۷۰۰ درهم بجا نگذاشت، و این ۷۰۰ درهم را برای خدمتکار خانه نگه داشته بود». (روایت احمد) (۲).

پس ای مسلمانان:

دوستی صحابه قربت به الله و دین می باشد، هر خیری که مسلمان در این دنیا دارد به سبب خیر و برکتی است که صحابه انجام دادند، آن صحابه ای که دین را به ما رساندند، الله متعال فضایی را به خلفای راشدین اختصاص داده، که هیچ کس به آنها دست نمی یابد، پیامبر صلی الله علیه و آله گواهی هدایت و کامیابی آنها را داده، و همگان را به پیروی از روش آنها و تمسک جستن به منهج شان دستور داده، و خوبیهای صحابه به اتباع از خوبیهای خلفای راشدین می باشند، عبد الله بن مسعود رضی الله عنه می فرماید: «صحابه قومی هستند که الله متعال آنها برای همراهی پیامبرش و برپایی دینش برگزید، پس فضل آنها را بدانید و از آثار آنها پیروی کنید، و به اخلاق و دین شان تمسک بجویید، زیرا آنها بر راه هدایت و راه راست بودند» (۳).

هر کس صحابه را دوست بدارد در قیامت با آنها محشور می شود، و از نشانه های محبت آنها: حمایت و نصرت کردن آنها، و دفاع از حقوقشان و به خوبی یاد نمودن و پیروی از آنها

(۱) فضائل الصحابة (۱/۵۳۱) رقم اثر: (۸۸۲).

(۲) مسند احمد (۱/۴۳۴) رقم حدیث: (۱۷۴۲).

(۳) الجامع لمسائل المدونة (ص: ۶۶).

می باشد، و از اسباب محبت آنها: مطالعه و گوش فرا دادن به سیرت و زندگی نامه این بزرگواران می باشد.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

﴿وَالسَّيْقُونَ الْأَوْلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (۱)

ترجمه: «پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی از آنان پیروی کردند، الله از آنان خشنود گردید و آنان از او خشنود گردیدند و برای آنان بهشت‌هایی را آماده ساخته است که از زیر آن جویهایی روان است که برای ابد در آن جاودان خواهند بود؛ این است کامیابی بزرگ».

الله متعال به من و شما در این قرآن عظیم شأن برکت عنایت بفرماید.

خطبه دوم:

ستایش و شکر شایسته‌ی الله است که احسان نمود و توفیق داد و منت نهاد، و گواهی می‌دهم که هیچ معبود به حقی جز الله متعال نیست، یکتاست، شریکی ندارد، و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، درود و سلام فروان الله بر او و خاندان و یارانش باد.

ای مسلمان:

همانگونه که در مورد بعضی از صحابه فضایل خاصی وارد شده، همچنین از عموم صحابه کسانی که از سابقینند و کسانی که در بیشتر صحنه‌ها حضور داشتند، و کسانی که قبل از صلح حدیبیه در راه الله بذل و بخشش کردند و جنگیدند؛ والاتر از کسانی هستند که بعد از آن بذل و بخشش کردند و جنگیدند، و مهاجران صدر اول، اولاتر از انصار- اهل مدینه- می‌باشند، الله متعال به اهل بدر این چنین خطاب کرد: «هر چه می‌خواهید انجام دهید؛ من شما را مغفرت نموده‌ام». (روایت بخاری و مسلم)^(۱)، هیچ کس از آنهایی که زیر درخت- در صلح حدیبیه- پیمان بستند وارد جهنم نمی‌شود، زیرا آنها از الله خشنود، و الله از آنها راضی می‌باشد، و پیامبر ﷺ خطاب به کسانی که در صلح حدیبیه حاضر بودند فرمودند: «امروز شما بهترین ساکنان روی زمین هستید». (روایت مسلم)^(۲).

الله متعال به همه ی صحابه وعده بهشت داده، الله سبحانه می‌فرماید: ﴿وَكَلَّا وَعَدَدَ اللَّهُ الْحَسَنَىٰ﴾^(۳).

ترجمه: «وبه همه آنها وعده پاداش نیک داده است» و پاداش نیک همان: بهشت است.

ابن حزم رحمته الله می‌گوید: «همه علمای اسلام متفقند که همه صحابه بهشتی هستند».

پس بدانید که الله شما را به درود و سلام فرستادن بر پیامبرش امر نموده....

(۱) صحیح بخاری (۱۴۵/۵) رقم حدیث: (۴۲۷۴)، صحیح مسلم (۱۶۷/۷) رقم حدیث: (۲۴۹۴).

(۲) صحیح بخاری (۱۲۳/۵) رقم حدیث: (۳۹۹۵)، صحیح مسلم (۲۵/۶) رقم حدیث: (۴۸۵۱).

(۳) سوره النساء، آیه: ۹۵، سوره الحدید، آیه: ۱۰.